



Revolution Studies

Volume 01, No.01, Summer & Spring 2023 (Serial 1)

The Processual Theory of the Islamic Revolution From the Perspective of the Thought of Mohammad Javad Bahonar

Gholamreza Jamshidiha¹

Doi: 10.22034/FADEMO.2023.389372.1001

Seyyed Mohammad Javad Ghorbi²

Abstract: According to the theoretical foundations and religious teachings, Muslim thinkers have a different view about the revolution. The thinkers of the Islamic revolution paid attention to the concept and stages of revolution, and each of them mentioned different stages for the evolution of revolution, and these process patterns show the importance of the theory of the evolution of the Islamic revolution. Mohammad Javad Bahonar is one of the thinkers who has paid attention to the processes of the Islamic revolution in five stages in his works. Using analytical-descriptive method, this article aims to answer this main question: What is the meaning of the concept of revolution in the thought of Mohammad Javad Bahonar and what are the main stages in of the evolution of Islamic revolution? The main hypothesis of the article is that, from Bahonar's point of view, the Islamic revolution is not merely a change in the existing political order, but rather a process for the evolution of the ideals of the revolution in various fields. The findings of the article show that, from Bahonar's point of view, the Islamic revolution needs to provide the foundations for the cultural revolution, internal organization and the exporting the revolution after the spiritual transformation in the society and the creation of the political revolution.

Keywords: Mohammad Javad Bahonar, the theory of the evolution of the islamic revolution, cultural revolution, exporting the revolution, bringing up new global values, spiritual transformation, political revolution, domestic construction

1. Professor of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran.

gjamshidi@ut.ac.ir

2. Master,s degree in Islamic political thought, researcher of the history of the revolution and the political thought of Muslim thinkers, Tehran, Iran (Corresponding Author).

ghorbi68@yahoo.com

Received: 2023/ 03/ 13

Approvd: 2023/ 05/ 30

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

نظریه فرایندی انقلاب اسلامی از منظر اندیشه محمدجواد باهنر

Doi: 10.22034/FADEMO.2023.389372.1001

غلامرضا جمشیدیها^۱

سید محمدجواد قربی^۲

چکیده: اندیشمندان مسلمان با توجه به مبانی نظری و آموزه‌های دینی، دیدگاه متمایزی نسبت به مقوله انقلاب دارند. متفکران انقلاب اسلامی نسبت به مسئله مفهوم و مراحل انقلاب توجه داشته و هر کدام برای تکامل انقلاب، مراحل مختلفی را ذکر کردند که این الگوهای فرایندی، اهمیت نظریه سیر تکامل انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. محمدجواد باهنر یکی از متفکرانی است که در آثار خود، فرایندهای انقلاب اسلامی را در پنج مرحله مورد توجه قرار داده است. مقاله حاضر از نوع کیفی و اکتشافی است که با بهره‌گیری از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای مترصد تحلیل و توصیف این سؤال اصلی است: مفهوم انقلاب در اندیشه باهنر دارای چه بار معنایی است و فرایند تکامل انقلاب اسلامی شامل چه مواردی بود؟ مفروض مقاله به این قرار است که از دیدگاه باهنر، انقلاب اسلامی صرفاً تغییر در نظم سیاسی موجود نیست بلکه فرایندی برای تکامل آرمان‌های انقلاب در حوزه‌های مختلف است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد از منظر باهنر، انقلاب اسلامی برای تکامل خود نیاز دارد مراحل پنج‌گانه را به صورت مستمر و آگاهانه طی نماید. نظریه تکامل انقلابی باهنر اشاره به این مسئله دارد که دگرگونی در نظم سیاسی مستقر و جایگزینی نظام برآمده از اصول و آرمان‌های دینی به وسیله افراد جامعه به معنای انقلاب است که محدود به عرصه نظم سیاسی نخواهد بود بلکه لازم است در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی شاهد انقلاب باشیم. پدیده انقلاب اسلامی بعد از تحول روحی در جامعه و ایجاد

۱. استاد گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

gjamshidi@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه متفکران مسلمان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
ghorbi68@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

انقلاب سیاسی باید بسترهای انقلاب فرهنگی و سازمان‌دهی داخلی را فراهم آورد و در نهایت صدور ارزش‌های نوین را فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: محمدجواد باهنر، نظریه تکامل انقلاب اسلامی، انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی، صدور انقلاب، تحول روحی، سازندگی داخلی.

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب یکی از مسائل مهم در مطالعات اجتماعی و سیاسی است و هر یک از مکاتب و نظریه‌های مختلف، به یکی از ابعاد انقلاب توجه دارند. مبادی فرائضی و مفروضات هر مکتب و اندیشه‌ای منجر شده است با طیف متنوعی از مفاهیم و چارچوب‌های نظری پیرامون انقلاب در مراکز علمی و دانشگاهی روبرو باشیم. به تعبیری دیگر، به تعداد پژوهشگران مطالعات سیاسی و اجتماعی، دیدگاه متفاوت نسبت به مفهوم و نظریه انقلاب وجود خواهد داشت و آنچه حائز اهمیت است، تبیین مفهوم انقلاب بر اساس مقتضیات فرهنگی و ارزش‌های ملی در هر نظام و بستر تاریخی‌ای است. از آنجایی که مقوله انقلاب در اندیشه اسلامی مورد توجه مفسران و متفکران مسلمان بوده است، لازم است تا برداشت بومی از انقلاب ارائه شود تا این امکان فراهم شود با کاربرد مفهوم بومی، به بررسی و تحلیل پدیده‌های رایج ناظر به انقلاب و روندهای تکامل انقلاب در جهان اسلام پرداخت.

متفکران انقلاب اسلامی ایران، هر کدام به ابعاد مختلف انقلاب توجه داشته‌اند و همین مسئله عاملی خواهد بود تا با تحلیل محتوای مواضع فکری و آثار تألیفی آنها، نگرشی اصیل از مقوله انقلاب ارائه کرد. یکی از متفکران برجسته انقلاب اسلامی که دارای نقش‌های مختلف نظری و اجرایی در انقلاب اسلامی بوده است، محمدجواد باهنر است که نسبت به مقوله انقلاب دارای مواضع عمیق و بدیعی است. همان‌طور که متفکران و نظریه‌پردازان انقلاب‌های رایج جهان، خواهان ارائه الگوی فرایندی انقلاب هستند و برخی اندیشمندان در شرق و غرب تلاش و افری برای ارائه نظریه فرایندهای انقلاب در جوامع مختلف بوده‌اند، پایش دیدگاه و افکار باهنر نشان می‌دهد که دارای یک ایده پنج مرحله‌ای برای تبیین انقلاب در جوامع دینی است.

در میان اندیشمندان اسلامی، تبیین فرایند انقلاب^۱ را می‌توان در نظریه دوری فرازوفروند تمدنی ابن‌خلدون، تحول معنوی امام خمینی و موسی صدر، انقلاب اجتماعی و سیاسی مرتضی

1. Explanation of the revolution process

مطهری، فرایند پنج‌گانه تکامل انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای، مراحل پنج‌گانه نهضت اسلامی بهشتی، انقلاب تکاملی اسلام جلال‌الدین فارسی و سایر متفکران اسلامی مشاهده کرد و هر اندیشمند، نگرش متفاوتی به مقوله فرایند انقلاب در نظام اسلامی داشته است. از آنجایی که تاکنون اثر علمی منسجمی در زمینه دیدگاه و نگرش باهنر نسبت به مقوله انقلاب و مراحل فرایندی آن منتشر نشده است، این مقاله تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی به این سؤال پاسخ دهد که مفهوم انقلاب در اندیشه محمدجواد باهنر دارای چه بار معنایی است و فرایند تکامل انقلاب اسلامی شامل چه مواردی خواهد بود؟ با توجه به مسئله اصلی مقاله، اهداف اصلی که نگارندگان پیگیر آن هستند، عبارت است از: تبیین مفهوم انقلاب در اندیشه باهنر و ارائه الگوی فرایندی انقلاب بر اساس مکتوبات ایشان. مفروض مقاله به این قرار است که انقلاب در اندیشه باهنر یک مسئله دینی است و تکامل انقلاب نیازمند پیمودن مسیرهای مختلفی است که صرفاً سیاسی نیست بلکه دارای ابعاد معنوی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم هست.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات پژوهش و پیشینه مطالعات انجام شده در حوزه اندیشه و افکار باهنر نشان می‌دهد صرفاً یک مقاله با عنوان «انقلاب و انقلاب اسلامی از دیدگاه محمدجواد باهنر» (۱۳۸۱) به خامه علیرضا زمزم منتشر شده است. در این مقاله ضمن بررسی رویکردهای مختلف نظری نسبت به مقوله انقلاب، تلاش کرده است تا علل وقوع انقلاب، دستاوردهای انقلاب اسلامی و آسیب‌های پیش‌روی آن را از منظر باهنر مورد بررسی قرار دهد. این مقاله به صورت مختصر به مسئله مفهوم انقلاب از دیدگاه ایشان پرداخته و هیچ اشاره‌ای به مسئله فرایندی بودن انقلاب در نظریه باهنر نشده است. در کتاب *فرایند تکاملی انقلاب: تبیین مراحل پنج‌گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی* (۱۴۰۲) به بررسی نظریه‌های فرایندی انقلاب پرداخته شده است و در فصل دوم، یکی از مباحث مورد بررسی در این بخش، «نظریه انقلاب فرهنگی در اندیشه باهنر» است که در چند صفحه مختصر به روند تحقق انقلاب اسلامی از دیدگاه ایشان اشاره شده است. با توجه به فقدان آثار پژوهشی در زمینه فرایند انقلاب اسلامی، منبع اصلی پژوهش حاضر نیز مجموعه آثار باهنر با تأکید بر کتاب *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی* است.

۲. مبانی نظری و مفهومی

۲-۱. مفهوم انقلاب

در علوم سیاسی، انقلاب از منشأ آشوب است و مرحله‌ای از تکامل تاریخی ملت‌ها محسوب

می‌شود که تغییراتی سریع و ریشه‌ای (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) در جامعه ایجاد می‌کند (Coccia, 2019, p.1)؛ بنابراین «براندازی» و «جایگزین سازی حکومت» برای تبیین مفهوم انقلاب در ادبیات سیاسی غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد (هیوود، ۱۳۸۴، ص. ۵۴۵). انقلاب پدیده‌ای انسانی است که با نوعی خشونت همراه است (Tanter & Midlarsky, 1967, p. 264) و به‌عنوان یک اصطلاح برای تحلیل‌گر سیاسی غربی، به‌طور کلی به تغییرات سیاسی خشونت‌آمیز مانند سرنگونی قدرتمند یک‌شکل منظم از دولت اشاره دارد که روش‌های مختلفی دارد؛ به‌عبارتی، شیوه‌های عمل در انقلاب متفاوت است (Chengte, 2016, p. 34).

برخی تأکید دارند انقلاب نوعی تقاضای تغییر است که ناشی از اختلافات در جامعه، نارضایتی در ارتش، پیچیدگی‌های بین‌المللی یا بحران‌های داخلی است (Gottschalk, 1944, p.1)؛ بنابراین انقلاب را باید نوعی تغییر حاکمیت و دگرگونی در نظم اجتماعی به‌حساب آورد (Yoder, 1926, p.433). این رویکرد دارای دو بخش است: ۱. پایان عمر نظام سیاسی پیشین؛ ۲. حرکت عمومی برای جایگزینی نظامی جدید (شجاعیان، ۱۳۸۲، صص. ۲۶-۲۵). انقلاب به‌مثابه یکی از عوامل تغییر اساسی در نهادها و فعالیت‌های اجرایی، دربرگیرنده تغییرات ساختاری در روابط حکومت و جامعه است (عیوضی، ۱۳۹۴، صص. ۱۱-۱۲).

در ادبیات غربی انقلاب دو کاربرد اساسی دارد: کاربرد کلاسیک و کاربرد مدرن. استفاده کلاسیک از انقلاب شامل اشکال دیگر خشونت سیاسی مانند شورش است (Yenicirak, 2021, p.329). به‌عبارتی، وقتی مفهوم انقلاب به‌عنوان کاربرد کلاسیک و مدرن محدود می‌شود، تفاوت بین انقلاب و سایر اشکال خشونت سیاسی مانند شورش و کودتا آشکارتر می‌شود. هدف همه اشکال خشونت سیاسی اساساً جابجایی اجتماعی است. از این نظر، همه اشکال خشونت سیاسی مشابه هستند. با وجود این، انقلاب با کاربرد مدرن خود چیزی بسیار متفاوت از کودتا و شورش است. با این حال، انقلاب با کاربرد مدرن به نظم اجتماعی موجود، ارزش‌ها، عادات و سنت‌های آن حمله می‌کند (Yenicirak, 2021, p.339).

گلدستون^۱ تأکید دارد انقلاب هنگامی آغاز می‌شود که حکومتی که سابقاً تحت کنترل یک جامعه سیاسی حاکم قرار داشت، هدف ادعاهای مؤثر، رقیب و نفی‌کننده یکدیگر از سوی دو یا چند جامعه سیاسی مجزا قرار گیرد (گلدستون، ۱۳۸۵، ص. ۸۱). بر اساس مطالعات تیپلور^۲

1. Jack Goldstone

2. Stan Taylor

انقلاب را باید یک مبارزه سازمان یافته علیه استبداد دانست (Taylor, 1987, p. 22). از دیدگاه هانتینگتون^۱ انقلاب در اساس نظام‌های سیاسی حاکم با خشونت به وقوع می‌پیوندد. شکاف بین توقعات فزاینده و فقدان نوسازی مطلوب در سامان سیاسی عامل شکل‌گیری انقلاب خواهد بود. (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص. ۳۸۵)

برای کارل مارکس^۲، انقلاب پیش از هر چیز یک ضرورت اجتماعی-اقتصادی است که ناشی از قطبی شدن ماهیت و شکل جامعه مدنی، نیروهای مولد و روابط اجتماعی است. تغییر کمی این نیروها تغییر کیفی آن روابط را ایجاد و عملی می‌سازد و این یک انقلاب حقیقی در شکل جامعه مدنی است. این فرایافت انقلاب ماهیتاً هگلی است. ضرورت انقلاب‌های سیاسی نتیجه‌ای از این انقلاب اجتماعی است. این در حالی است که سیمون^۳ تأکید دارد انقلاب ذاتاً سیاسی است و در آن یک طبقه، طبقه دیگری را از حکومت سرنگون می‌سازد و خود جانشین آن می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص. ۲۴۶).

در برداشتی کلی، انقلاب‌ها در ادبیات غربی ناشی از بی‌ثباتی عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، قومیتی، مردم‌شناختی و مذهبی در جامعه هستند (Coccia, 2019, p. 6). با توجه به این منطق، در مطالعات انجام شده در زمینه علل انقلاب در جوامع مختلف می‌توان به ویژگی‌های مشترک در موقعیت‌های قبل از انقلاب دست پیدا کرد که از جمله آنها می‌توان به فساد، سوءاستفاده از قدرت، بی‌مسئولیتی و اسراف منابع ملی اشاره کرد. البته ممکن است نظام‌های سیاسی‌ای وجود داشته باشند که مایحتاج زندگی مردم را تأمین می‌کردند؛ ولی در عوض به سرکوب شهروندان می‌پرداختند. در این شرایط اگر یک گروه اپوزیسیون به‌خوبی بتواند با سازمان‌دهی مناسب و نمایندگی به‌وسیله روشنفکران، مجهز به نظریه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی باشد، حتماً ناآرامی‌های اجتماعی را به سمت تغییر نظام سیاسی و انقلاب سوق می‌دهند (Gebil, 1990, p.3).

دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی در غرب، دو نوع کلی انقلاب را متمایز می‌کنند: انقلاب «نخبگان» از بالا و انقلاب «از پایین». یک تصویر برجسته از دومی، انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ است. انقلاب بریتانیا در ۱۶۸۹-۱۶۸۸ را می‌توان به‌عنوان انقلاب نخبگان طبقه‌بندی کرد. گلدستون [۲۰۰۹] با تکیه بر شواهد تجربی گسترده در مورد انقلاب‌های گذشته و حال،

1. Samuel P. Huntington
2. Karl Marx
3. Saint-Simon

تمایزی را بین انقلاب‌های «رنگی» و «رادیکال» پیشنهاد می‌کند که گونه‌شناسی قبلی انقلاب‌ها را به عنوان «نخبگان» و «توده‌ای» پوشش می‌دهد (Vahabi & et.al, 2020, p.857).

در ادبیات دینی، انقلاب از منظر لغوی به معانی برگشتن، منقلب شدن و دگرگونی است. در بعد سیاسی، انقلاب اشاره به سرنگون کردن ظلم و اقدام جمعی برای نابودی نظام جائر دارد (قربی، ۱۴۰۱، صص. ۲۶-۲۵). ادله مشروعیت انقلاب از منظر متفکران مسلمان شامل «اطاعات نکردن از حاکم ستمگر بر اساس قرآن و روایات» و «جواز انقلاب و خروج مردم علیه حاکم ستمگر» است (حاتمی، ۱۳۸۹، صص. ۱۹۸-۱۹۰) و برای ایجاد حکومت عادلانه انجام می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۵۰۳).

مطهری باور دارد انقلاب در قامت یک پدیده سیاسی، به معنای «تغییرات بنیادی» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص. ۱۱۳) است. در مسیر شکل‌گیری انقلاب، خشونت و خون‌ریزی وجود خواهد داشت؛ اما برای تحقق انقلاب دینی، لازم است این ناملایمات تحمل شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۵) به تعبیر مطهری: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردمی علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند» (مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۵۹). مطهری در بررسی نظریه مارکس در مورد انقلاب اشاره می‌کند آنها اعتقاد دارند: «انقلاب نیز فقط می‌تواند از یک جنبش قهرآمیز و یک جنبش توده‌ای ناشی شود» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص. ۳۱۹) این در حالی است که مطهری بر انقلاب اسلامی تأکید دارد و منظور وی از دینی بودن جریان انقلاب این است که یک حرکت آگاهانه و انتخابی است که ایمان عامل محرک و پشتیبان آن است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص. ۳۱۹).

قیام علیه استبداد و تأمین حقوق انسانی در جوامع، ملازم برپایی نظام سیاسی و اجتماع عدالت‌محور خواهد بود (فرقانی، ۱۳۸۳، صص. ۸۸-۸۷). در این زمینه، سید محمدباقر صدر اعتقاد دارد انقلاب به عنوان پدیده اجتماعی از منظر قرآن به معنای «احقاق حق» است (صدر، ۱۳۷۹، صص. ۲۶۲-۲۶۳). براین اساس، از دیدگاه صدر ویژگی‌های یک نهضت انقلابی عبارت است از: حرکتی آگاهانه؛ مقابله با وضع موجود؛ حرکتی سرسختانه و کوبنده؛ مترصد دگرگونی عمیق و تحول بنیادین؛ ایجاد کننده دگرگونی و تحول برای ایجاد یک زندگی نوین؛ حرکت بر مبنای مکتب و ایدئولوژی و کنار گذاشتن معیارها و اصول گذشته. لاجرم، انقلاب عبارت از نهضتی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معین است که با درک دقیق واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی عمیق و بنیادین در کلیه ابعاد زندگی، اصول و ارزش‌های حاکم در جامعه است (باقری دولت‌آبادی و موسوی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۶).

بر اساس اندیشه سیاسی بهشتی، وقوع انقلاب به مثابه ضرورتی برآمده از بحران جامعه و در قالب مکتبی- ارزشی صورت‌بندی می‌شود (طوسی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۱) و به این معنا، انقلاب اسلامی یک‌شکل راستین پاسداری از اصول، مبانی و تعالیم اسلامی است که خواستار اجرای عدالت و شکل‌گیری حکومت حق است و برای تحقق آن ممکن است شدیدترین برخوردها با نظام حاکم انجام شود (بهشتی، باهنر و گلزاده، ۱۳۸۰، صص. ۴۶۹-۴۶۸)؛ بنابراین انقلاب به دلیل مقاومت نظام‌های فاسد حاکم، همواره با کاربست خشونت و زور از سوی مردم در جریان قیام عمومی همراه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۰۹).

۲-۲. نظریه تکوین و تکامل انقلاب

فرایند تکامل جوامع نشان می‌دهد هر جامعه‌ای یک سیر صعودی و یک سیر نزولی دارد و در نهایت به انحطاط آن جامعه منتهی می‌شود تا از نو حرکت جدیدی در جامعه پدید بیاید (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، صص. ۹-۴). یکی از رایج‌ترین و مشهورترین نظریات مراحل تکوینی انقلاب‌ها مربوط به اثر پژوهشی کالبدشکافی چهار انقلاب کرین برینتون است که به «نظریه چرخشی انقلاب» معروف است (برینتون، ۱۳۶۶). او پس از بررسی و مقایسه تحولات مهم انقلاب‌های فرانسه، روسیه، آمریکا و انگلستان، نظریه مزبور را تبیین می‌کند و تأکید دارد انقلاب‌ها در سیر تحولات خود سه مرحله را پشت سر خواهند گذاشت: سرنگونی رژیم حاکم، جایگزینی نیروهای رادیکال به جای حکومت میانه‌روها و مرحله ترمیدور^۱ (ابوطالبی، ۱۳۸۶، صص. ۲۷-۲۶). از بین متفکران اسلامی، ابن‌خلدون دیدگاه مهمی در باب فراز و فرود دولت و تمدن‌ها ارائه کرده (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶) و مراحل دولت‌ها را نیز شرح می‌دهد. این مراحل به این شرح است: مرحله پیدایش و ظفر؛ مرحله انحصار قدرت؛ مرحله تجمل و فراغت؛ مرحله خرسندی و مرحله اسراف و اضمحلال (رفیع و عباس‌زاده، ۱۳۹۴، صص. ۱۸۳-۱۸۱). از منظر برخی پژوهشگران، روند تکامل انقلاب را می‌توان به دو دوره زمان‌بندی و تقسیم کرد: ۱. قبل از پیروزی (دوره انقلاب‌آفرینی)؛ ۲. پس از پیروزی (دوره استمرار انقلاب) (اسلامی، ۱۳۶۹، ص. ۸).

در نظریات دیگری، این مراحل، سه مرحله‌ای است: ۱. پیدایش؛ ۲. تغییرات؛ ۳. تکامل (کتابی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۱). طرفداران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: ایجاد انقلاب اسلامی، استقرار انقلاب اسلامی و توسعه انقلاب اسلامی (مشکانی سبزواری، الف، ۱۳۹۲، ص. ۶) در راستای تبیین مراحل سه‌گانه انقلاب اسلامی، برخی از محققین

1. Thermidor

اعتقاد دارند که انقلاب‌ها سه مرحله تکوین، تخریب و سازندگی دارند که هر کدام از این مراحل دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های خاص خود هستند (بهرامی، ۱۳۸۵، صص. ۲۳-۲۰). یکی از ایرادهای نظریه سه وجهی مراحل انقلاب اسلامی از تکوین تا سازندگی، عدم توجه به قدرت و توانایی انقلاب در عرصه بین‌المللی و قابلیت تمدن‌سازی انقلاب‌هاست. برای ترمیم این رویکرد، برخی نظریه‌پردازان انقلاب تلاش کردند فرایند انقلاب اسلامی را در چهار مرحله طراحی نمایند که این مراحل به شرح زیر هستند؛ انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی و شکل‌گیری امت اسلامی (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲، صص. ۵۳-۵۲).

بهشتی در کتاب سه‌گونه اسلام مراحل لازم برای شکل‌گیری انقلاب و نهضت اسلامی را ترسیم می‌کند و تأکید دارد پنج مرحله منظم، متوالی و پیوسته برای تکامل نهضت اسلامی لازم است و این مراحل شامل «پیدایش ایده جدید و عرضه آن به جامعه»، «شکل‌گیری هسته اولیه طرفداران»، «تحقق بخشیدن به ایده جدید»، «استقرار و قدرت‌یابی نهضت» و «گسترش ایدئولوژی» خواهد بود (بهشتی، ۱۳۸۹، صص. ۹۱-۷۱).

یکی از رویکردهای سیر تکامل انقلاب، الگوی پنج مرحله‌ای تکامل انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای است (مهاجرنیا ۱۴۰۱؛ عبدالاحدی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۲). در بخشی از بیانات ایشان آمده است:

یک زنجیره منطقی وجود دارد: حلقه اول، انقلاب اسلامی است، تشکیل نظام اسلامی است، تشکیل دولت اسلامی است، تشکیل جامعه اسلامی است، تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

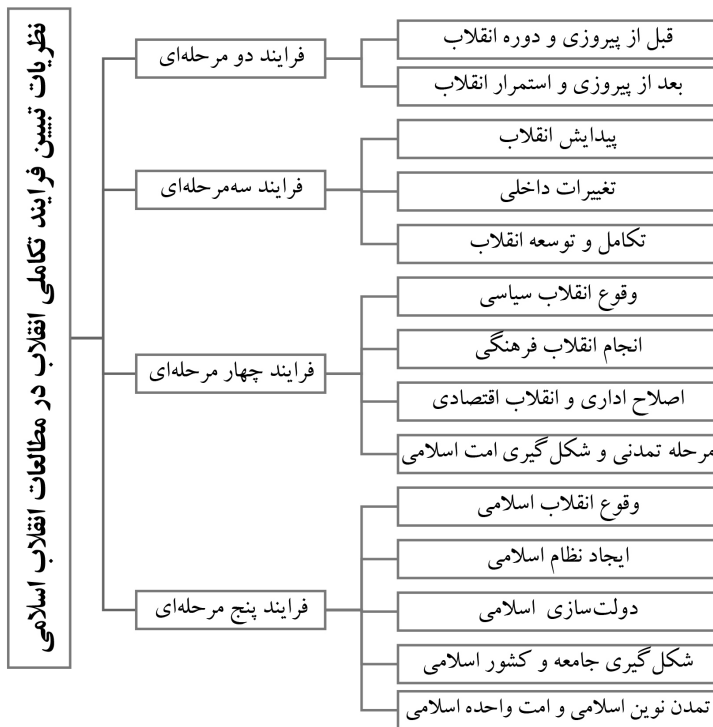
شکل شماره ۱. مراحل تکامل پنج‌گانه انقلاب اسلامی (یافته‌های نگارندگان)



رویکرد پنج مرحله‌ای بر شاخص تمدن سازی به‌عنوان غایت انقلاب اسلامی تأکید دارد و نشان‌دهنده این مسئله است که محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت مداوم و حکومت مردمی از شاخصه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی است (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴، ص. ۸۵). تمدن نوین اسلامی بر مبنای پیشران‌های تربیتی و فرهنگی، بر هم‌افزایی توان داخلی و اصلاح و بهبود حوزه‌های سیاست‌ورزی و فرهنگ مردم جامعه استوار است (نرمانی و همکارانی، ۱۴۰۰، ص. ۵۷).

در رویکرد تکامل پنج مرحله‌ای انقلاب اسلامی، مراحل در سه دوره «ابتدایی»، «میانی» و «نهایی» قابل بررسی هستند. ایجاد انقلاب اسلامی مرحله ابتدایی انقلاب است که در تمامی نظریات فرایندی انقلاب قابل رؤیت است. در مرحله میانی نیز سه گام ایجاد نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی و شکل‌گیری کشور اسلامی وجود دارد و در مرحله نهایی، ایجاد امت اسلامی - تمدن اسلامی مورد توجه است (مشکانی سبزواری، ب ۱۳۹۲، ص. ۵۳).

شکل شماره ۲. نظریات تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی (یافته‌های نگارندگان)



۰۳. روش پژوهش

مقاله حاضر در حوزه پژوهش اسنادی قرار دارد و از نوع مطالعات کیفی و اکتشافی است. برای تبیین دیدگاه باهنر در زمینه نظریه فرایندی انقلاب از مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری متن بهره گرفته شده تا تحلیل و توصیف روند انقلاب اسلامی از دیدگاه وی انجام شود. تحلیل متون باهنر با چند ویژگی نظام‌مندی، ارتباط بخش‌های معنایی با موضوع و آشکار بودن ماهیت متن همراه است. منبع تحلیل در مقاله حاضر، متن مجموعه آثار باهنر (۹ جلدی) است و مقوله تحلیل، دسته‌بندی فرایند انقلاب با توجه به روندهای ترسیم شده برای سیر منطقی انقلاب است.

۰۴. تحلیل یافته‌ها؛ انقلاب و روند تکاملی انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر

۱-۴. انقلاب

باهنر تأکید دارد نظریه مذهب، توانایی تبیین و تحلیل انقلاب اسلامی را دارد. از دیدگاه وی، اصل و ریشه انقلاب در مکتب و ایدئولوژی اسلام است و ریشه آن، حرکت بزرگ اسلام و پیدایش طلوع این مکتب در تاریخ بشر است. او از اندیشه و نقش روشنگری‌های اسلامی، رهبری، استبداد و ظلم طبقه حاکم و وحدت مردم علیه رژیم سیاسی مستقر در شکل‌گیری انقلاب صحبت به میان می‌آورد (زمزم، ۱۳۹۱، ص. ۶) وی تأکید دارد انقلاب‌ها را می‌توان از دو جنبه کمی و کیفی مورد بررسی قرار داد. جنبه کمی انقلاب، مشارکت و حضور مردم در صحنه است و جنبه کیفی انقلاب، ناظر بر مسئله هویت انقلاب است؛ یعنی هویت انقلاب اسلامی، تبلور روح اسلامی در حرکت جمعی ملت است (باهنر، الف، ۱۳۸۷، صص. ۴۹-۵۰).

در کتاب مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی به دو مرحله کلیدی در انقلاب اشاره می‌شود: ۱. مرحله شکست نظام سیاسی ظالم و استبدادی؛ ۲. مرحله سازندگی. او معتقد است: «در مرحله اول بت را شکستیم و خانه ظلم و استبداد را ویران کردیم؛ اما در مرحله سازندگی، انقلاب بسیار پیچیده‌تر و حساس‌تر و خطرناک‌تر است و نیروی خیلی بیشتر لازم دارد» (باهنر، الف، ۱۳۷۸، صص. ۲۴۱-۲۴۰).

در بحث مفهوم‌شناسی انقلاب، باهنر با تأثیر از مشرب فکری اسلام به تعریف، این پدیده می‌پردازد و از انقلاب با عنوان «سازندگی درونی» یاد می‌کند. بر اساس این تعریف، در انقلاب شرط لازم و ضروری تغییر و تحول درونی است و تغییر در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، شرط کافی برای انقلاب است. باهنر در بحث نظریه‌ها و چرایی انقلاب، ضمن پذیرش تئوری مذهب، با روش‌گرایی خاص خود از زاویه سه عنصر مکتب، رهبری و مردم به علل

وقوع انقلاب اسلامی پاسخ می‌دهد که البته در کنار نظریه مذهب، از نظریه سیاست نیز سخن می‌گوید و علاوه بر این، تأثیر نهضت عاشورا و دیگر تحولات تاریخ ایران بر انقلاب اسلامی را نادیده نمی‌گیرد. وی با توجه به تجربه عملی که در جمهوری اسلامی داشتند، موضوع آرمان‌ها، دستاوردها و آسیب‌های انقلاب را مورد توجه قرار داده و مهم‌ترین راهکار حفظ و بقای انقلاب اسلامی را که در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی متبلور شده است، در صیانت از هویت مکتبی انقلاب و توجه به بعد جمهوریت نظام می‌داند» (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۶).

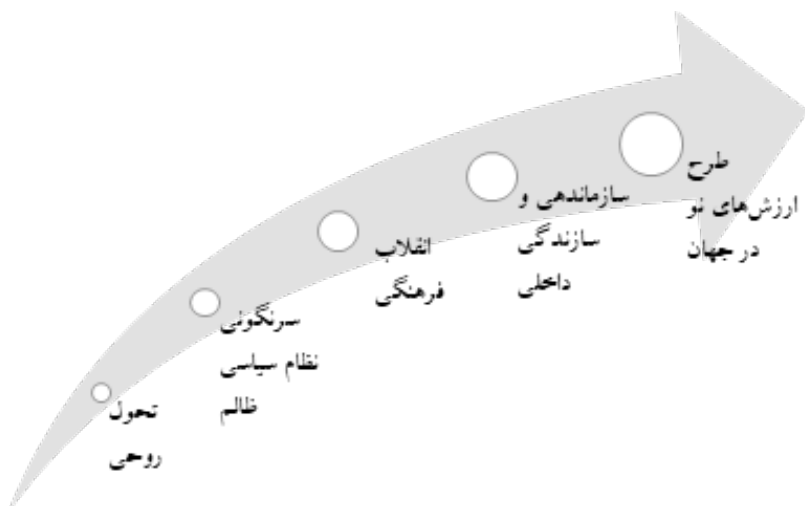
نکته راهبردی در اندیشه باهنر، تأکید بر ابعاد ملی و بین‌المللی انقلاب در عرصه سازندگی است و صرفاً به بخش استحکام انقلاب در داخل مرزهای سرزمینی توجه ندارد بلکه سازندگی را در وجه خارجی آن هم مورد تأکید قرار می‌دهد. از این رو، در مرحله سازندگی باید انقلاب را نشر داد و از دستاوردهای انقلاب در عرصه جهانی پاسداری کرد و ارزش‌های انقلابی را در سراسر بستر امت اسلامی گسترانید (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۶۶).

۴-۲. فرایند انقلاب اسلامی

این بخش مترصد پاسخگویی به این سؤال است که فرایند انقلاب اسلامی شامل چه مراحل است؟ بررسی آثار باهنر نشان می‌دهد که سیر تکامل انقلابی (ر.ک. به: باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۲۷۵-۳۰) برای جوامع دینی امری لازم است و مراحل آن به قرار زیر است:

شکل شماره ۳. مراحل تکامل انقلاب اسلامی از منظر باهنر (یافته‌های نگارندگان)

۶۵



غلامرضا جمشیدپها و سیدمحمدجواد قربی: نظریه فرایندی انقلاب اسلامی از منظر اندیشه ...

۴-۲-۱. تحول روحی

انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است که در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و در عرصه روابط بین خالق و مخلوق، حرکت تکاملی انسان به سوی خدا حائز اهمیت است و به اعتقاد باهنر، این حرکت و تحول در جنبه‌های معنوی پایان‌ناپذیر است (باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۱۹-۲۵). وقتی تحول روحی در جامعه به وجود آمد، احیای نهضت‌های الهی فراهم می‌شود. پیامبران و نهضت اسلامی آنها برای مبارزه با طاغوت و اشراف بوده است و عصاره دعوت انبیا از دیدگاه باهنر دو چیز بوده است: مبارزه با طاغوت و مقاومت در برابر آنها. «هدف از فرستادن انبیا این بوده است که افراد ضعیف، بتوانند بالا بیایند و همچنان توسری‌خور و ضعیف در برابر مستبدان نمانند» (باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۹۹-۹۸). همین مسئله بوده است که ترویج مکتب اسلام در مواضع، بیانات و سیره ایشان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است و می‌توان اذعان داشت، توسعه مکتب و ارزش‌های اسلامی یکی از ملزومات تعالی جامعه است (بدرخانی، ۱۳۹۰، صص. ۱۴۶-۱۳۱) و این مهم نیازمند تحول روحی در جامعه است. به اعتقاد باهنر، این تحول نیازمند خودآگاهی، هدایت‌گری و حساس‌گری است؛ زیرا خودسازی منجر به تعدیل جاذبه‌های غیردینی در افراد می‌شود (زند، ۱۳۹۰، صص. ۱۹-۱۷).

به اعتقاد باهنر، گسترش نهضت حسینی در جوامع منجر به وقوع تحولات روحی و معنوی عمده‌ایی بوده است و به اعتقاد ایشان، حادثه کربلا یک پدیده انقلابی است که به‌عنوان عالی‌ترین و چشم‌گیرترین فراز تاریخی اسلام مطرح است که در درون تاریخ به پیش رفته است. این رویداد تاریخی نیز الهام‌بخش مبارزه علیه ظلم و بیدادگری، ایستادگی در برابر حکومت باطل و تسلط اشراف بوده است (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۴۵)؛ بنابراین باهنر تأکید دارد یکی از سنت‌های بزرگ تاریخ اسلام و سنت الهی این است که حرکت تاریخ و درگیری‌های حق و باطل به‌جایی برسد که حکومت حق واحد جهانی ایجاد شود و تمام طاغوت‌ها و استکبار نیز واژگون شوند (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۵۵؛ قریبی، ۱۴۰۱، ص. ۷۹).

با توجه به توضیحات بالا، تحول روحی اولین قدم برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و تحول درونی در شرایط نابسامان اجتماعی و سیاسی، یک سنت الهی و دینی است. در اولین مرحله فرایند انقلاب، تربیت جامعه به‌وسیله رهبران دینی امری لازم است و تاریخ نهضت انبیا نشان می‌دهد که مأموریت آنها، آگاه‌سازی مردم و ایجاد تحول در باطن آنها برای استقرار نظامی عادلانه، انسانی و اسلامی بوده است و از آنجایی که انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر مبتنی بر مبارزه با نظام سیاسی طاغوت و مقاومت در برابر بی‌عدالتی و ستم است، این مهم نیازمند

دگرگونی در روحیه جمعی است و این تحول معنوی لازمه گام نهادن در مسیر اصلاح وضعیت وجود و جایگزینی نظم جدید خواهد بود.

۴-۲-۲. سرنگونی نظام سیاسی ظالم

باهنر، در کنار مکتب اسلام به عنوان علت اصلی انقلاب اسلامی، از استبداد و دیکتاتوری نیز سخن می گوید و از ظلم و جور می گوید که بر مردم قبل از انقلاب وارد می شود، به عنوان بستر شرایط وقوع انقلاب یاد می کند و معتقد است هر چه خفقان، ظلم، شکنجه و کشتار بیشتر شود، رژیم سیاسی به پایان نزدیک تر می شود (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۹) در کتاب جهان بینی اسلامی نیز فقدان «آزادی» و «عدالت» دو عامل اصلی نارضایتی مردم و شکل گیری قیامها و انقلاب در جوامع انسانی است. لاجرم، انقلاب اسلامی مقوله ای برای مبارزه با طاغوت و استقرار عدالت اجتماعی برای همگان است. بر اساس اندیشه باهنر: «مهم ترین انگیزه قیامها و انقلابات و مبارزات در جهان، به دست آوردن همین آزادی و عدالت است و در برابر، انگیزه تجاوزکاران و سرکوب کنندگان این حرکتها، ریشه کن کردن عدالت به نفع بهره کشی و سودجویی بیشتر خودشان است» (باهنر، ۱۳۶۱، ص. ۵۸) از آنجایی که «حریت» و «آزادی» در اسلام مورد تأکید زیادی است، لازم است انقلاب اسلامی به مسئله دامنه آزادی بر اساس موازین اسلامی توجه داشته باشد (باهنر، ۱۳۶۰، صص ۲۷-۴).

به اعتقاد باهنر، افراد مسلمان در برابر جامعه اسلامی مسئول هستند و خداوند از آنان خواسته است که در بهبود همه جانبه اجتماع بکوشند و خود را نسبت به اوضاع جاری آن بی تفاوت نشان ندهند. افراد به نوبه خود برای اصلاح جامعه و پیشرفت آن مسئولیت دارند (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۱) و اگر در جامعه ای ظلم و انحراف وجود داشت، تمام افراد در برابر آن مسئول هستند و همه باید از راه های مناسب برای ریشه کن کردن بی عدالتی و ناپاکی بکوشند (قریبی، ۱۴۰۱، ص. ۸۰). بعد از تحول روحی در جامعه، بستر برای مقابله با ظلم و فساد فراهم می شود و از آنجایی که آموزه های دینی بر برپایی عدالت و مبارزه با استبداد تأکید دارند، بستر اجماع برای مبارزه سیاسی با رژیم فاسد فراهم می شود و در این مرحله، وظیفه و رسالت مبارزه با فساد و ظلم در جامعه دینی منجر به سرنگونی رژیم سیاسی فاسد و شکل گیری انقلاب سیاسی می شود.

۴-۲-۳. انقلاب فرهنگی

بن مایه انقلاب اسلامی از دیدگاه باهنر، «فرهنگ» است و همین مسئله باعث می شود ساختارها و فرایندها تحول انقلابی در جامعه اسلامی را از منظر فرهنگ سیاسی و اقتصادی بنگرد. فرهنگ

اسلامی علاوه بر اینکه زیربنای جامعه است، تمامی فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی از آن سرچشمه می‌گیرد (باهر، ۱۳۷۵، ص. ۷). از دیدگاه او، ارزش‌های فرهنگی عاملی در توسعه فردی و اجتماع هستند و شکل‌گیری یک انقلاب اسلامی در برابر نظام سیاسی فاسد به رشد فکری و اخلاقی نیاز دارد که برآمده از ارزش‌های فرهنگی جدید نسبت به ارزش‌های حاکم هستند (نعمتی‌زرگان، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۷).

باهر تأکید دارد مسلمان واقعی به اختناق فکری تن در نمی‌دهد و گرفتار رکود فکری و فرهنگی نمی‌شود (باهر، ح ۱۳۸۷، ص. ۴۴). همان‌طور که در کتاب گفتارهای تربیتی اشاره می‌کند، این روند منجر به دوری از پیروی کورکورانه از سنت‌های نیاکان و پیروی از طاغوت می‌شود و بصیرت عاملی مهم در پیروی نکردن از هواهای نفسانی و متفندان ظالم است (باهر، ط ۱۳۸۷، صص. ۶۵-۷۰).

در یکی از مواضع او آمده است: «اگر فرهنگی بخواهد نسل جوان ما را به حرکت و رشد و کمال برساند، باید بر پایه فرهنگ اصیل اسلامی پایه‌ریزی شود» (ترک‌چی، ۱۳۸۸، ص. ۸۰). به همین دلیل، بر لزوم انقلاب فرهنگی در آموزش و پرورش تأکید زیادی داشتند (باهر، الف بی تا، صص. ۲۳-۵؛ باهر، ج ۱۳۶۱، صص. ۴۰-۳۱). بر اساس مواضع ایشان، در روند انقلاب اسلامی لازم است با فرایند غرب‌زدگی نهادهای آموزشی و تربیتی از طریق انقلاب فرهنگی اقدام کرد و این یکی از ملزومات تکامل انقلاب اسلامی است (باهر، ۱۳۶۱، صص. ۴۷-۴۶)؛ بنابراین انقلاب اسلامی یک‌روند فرهنگی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی برای بخش‌های مختلف جامعه و حکومت است. یکی از بسترهای برنامه‌ریزی بعد از سرنگونی رژیم سیاسی، انقلاب فرهنگی است که باید با درایت انجام گیرد.

در کتاب مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی در زمینه اهمیت روند انقلاب فرهنگی اشاره می‌نماید مرحله انقلاب فرهنگی ناظر بر دگرگونی فرهنگی، تغییر ساختار تعلیم و تربیت، مسئله پیوند تزکیه و تربیت، دوری از جهل، دور شدن از عصر جاهلیت، ایجاد جو و فضایی مبتنی بر فرهنگ اسلامی، دگرگونی بنیان‌های فرهنگی حاکم و قرار گرفتن در مسیر فرهنگ اسلامی است (باهر، الف ۱۳۸۷، صص. ۱۵۳-۱۵۱).

باهر در تعریف انقلاب فرهنگی اشاره می‌کند که تغییر در ارزش‌ها، رفتار، اخلاق و خصوصیات فردی و اجتماعی برای گام نهادن در مسیر اهداف ترسیم شده برای جامعه اسلامی را شامل می‌شود و انقلاب اسلامی زمانی توانایی و استطاعت توسعه تمدنی و فرهنگی را دارا خواهد بود که انقلاب فرهنگی به‌درستی در جامعه تحقق یابد (قریبی، ۱۴۰۱، ص. ۸۰).

در گفتاری از ایشان آمده است که دگرگونی مطلوب انقلاب اسلامی در ساختار سیاسی و اجتماعی نیازمند انقلاب در نظام فرهنگی موجود است. به عبارتی دیگر:

انقلاب فرهنگی یعنی انقلاب در معیارهای ارزشی، در خلق و خواهیها، در خصلت‌ها و در اخلاقیات، یعنی انقلاب در گرایش‌ها، در تمایلات، در انگیزه‌ها، در جاذبه‌های اجتماعی، در آنچه برای یک جامعه هدف و خط‌مشی ایجاد می‌کند و در آنچه مجموعه جامعه را به سوی یک آرمان گسیل می‌دهد. اینها دگرگونی‌هایی است که باید در انقلاب فرهنگی به وجود آید (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۹).

او در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خویش درباره انقلاب فرهنگی بعد از فروپاشی سیاسی و استقرار نظم جدید اشاره می‌نماید:

انقلاب فرهنگی در مفهوم کلی خود به معنی انقلاب ارزش‌ها و اخلاق و روابط اجتماعی و خصلت‌های فردی و اجتماعی است و به نظر ما این انقلاب پیش از انقلاب عملیاتی‌ای که در صحنه‌های درگیری صورت پذیرفت، آغاز شده بود، انقلابی که نسلی نوین با خصلت‌ها و ارزش‌هایی نوین و برآمده از اسلام پدید آورد. در واقع انقلاب فرهنگی پیش‌ازین آغاز شده بود و در حال حاضر راه خود را ادامه می‌دهد، این از مفهوم کلی انقلاب فرهنگی (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۱)

بنابراین باهنر اعتقاد دارد ابعاد مختلف انقلاب فرهنگی در یک جامعه شامل بخش انقلاب در مسائل آموزشی، انقلاب در معیارهای ارزشی یک جامعه، دگرگونی و انقلاب در نگرش و بینش یک جامعه، در روابط اجتماعی، در قوانین حاکم بر جامعه و حتی روابط سیاسی و اجتماعی یک جامعه می‌شود. به تعبیر دیگر، ابعاد فلسفی، فکری، اخلاقی، حقوقی، تربیتی و حتی معیارها و زیربنای روابط اقتصادی و سیاسی را دربر می‌گیرد و همه اینها را ابعادی از انقلاب فرهنگی می‌داند (تهوری، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۴). او در مصاحبه‌ها و مواضع خود تأکید داشت هدف اصلی انقلاب فرهنگی نیز رشد فکری و علمی جهت دستیابی به رفاه، استقلال، تعمیق فرهنگ اسلامی و معنوی است (نیکروش رستمی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۱).

۴-۲-۴. سازمان‌دهی و سازندگی داخلی

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و در فرایند سازمان‌دهی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داخلی، لازم است به عوامل ضدانقلاب توجه داشت و عوامل اجرایی نسبت به گروهک‌ها و سازمان‌های مخالف انقلاب تازه شکل گرفته هوشیار باشند (باهنر، ۱۳۶۱، ص. ۶۷).

وی در مرحله سازندگی و توسعه نهادهای انقلابی، تأکید بر «بازسازی نیروی انسانی» دارد (نعمتی زرگان، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۴)؛ زیرا باور دارد تمدن و فرهنگ دینی برخلاف تمدن مغرب زمین، به تحول در انگیزش‌های مادی و دنیوی افراد نیاز دارد (حیدری، ۱۳۹۰، صص. ۴۴-۳۸). به عبارتی، بعد از انقلاب سیاسی و فرهنگی باید دستگاه‌های اجرایی، روابط حقوقی و اقتصادی، وضعیت صنایع و معادن، روابط اجتماعی و ... را اصلاح نمایند (قربی، ۱۴۰۱، ص. ۸۱). در این مرحله، سازندگی باید در نهادهای مختلف مورد توجه قرار بگیرد (باهنر، ۱۳۵۹، ص. ۱۱).

در مرحله سازندگی و ایجاد حکومت اسلامی، مردم نقش کلیدی دارند؛ به گونه‌ای که در پذیرش و اصلاح ساختارها باید فعال باشند (صباحی و همکاران، ۱۳۸۱). مردم و حکومت باید برای استقلال، آزادی و استواری نظام تازه تأسیس تلاش داشته باشد و به همین دلیل، یکی از مسائل مهم در سازندگی داخلی بعد از وقوع انقلاب سیاسی و فرهنگی، ایجاد ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مستقل است. سازمان‌دهی ملی باید به گونه‌ای باشد که مانع وابستگی کشور انقلابی به سایر قدرت‌های جهانی شود. این رویکرد، پیوند وثیقی بین سازندگی داخلی و استقلال سیاسی را در اندیشه باهنر نشان می‌دهد: «ابتدا باید ریشه‌های وابستگی را در نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قطع کرد» (ترک‌چی، ۱۳۸۸، ص. ۸۲).

به اعتقاد او، باید بقایای رژیم طاغوت یا همان رژیم سیاسی پیشین را برچید و سازمان‌دهی سیاسی و اقتصادی در داخل مرزهای سرزمینی باید مورد توجه باشد (باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۸-۱۴۶). در مواضع باهنر بر پاک‌سازی ادارات و نهادهای فرهنگی، آموزشی، نظامی و غیره تأکید شده است؛ زیرا تأکید دارد تأسیس نظام جدید بدون جایگزینی نیروهای متعهد امکان‌پذیر نیست و مرحله سازندگی داخلی ناگزیر به حذف برخی از نیروهای وابسته به رژیم گذشته و انتخاب نیروهای جدید است.

در بخشی از بیانات باهنر آمده است که اعمال هیأت پاک‌سازی باید:

صحیح و صادقانه انجام بگیرد و در واقع افرادی را بی‌جهت بدنام نکنند و گرنه، نه تنها اثر مثبتی نخواهد داشت، بلکه مایوس‌کننده و دارای اثر منفی خواهد بود. این مسئله بخصوص در ارتش هم مطرح است. در سایر وزارتخانه‌ها هم به همین ترتیب است (باهنر، ۱۳۶۱، ص. ۵۲).

این مرحله از مسیر تکامل انقلاب اسلامی، مربوط به مرحله تقویت پایه‌های نظام اسلامی و شکل‌گیری دولت اسلامی خواهد بود. منطقی مرحله چهارم فرایند انقلاب اسلامی، بازسازی و اصلاح ساختارهای رژیم سیاسی پیشین است و تلاش، سازمان‌دهی نهادها، ادارات و بخش‌های مختلف حکومت با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلابی است. سازندگی داخلی باید در تمام‌های

حوزه‌ها مورد توجه باشد و علاوه بر ساختار سیاسی و اقتصادی، لازم است نظامات اجتماعی و فرهنگی مورد اصلاح، بازنگری و ترمیم قرار گیرند تا بتوانند بسترهای رشد انقلاب در جامعه جهانی را فراهم آورد.

۴-۲-۵. صدور انقلاب و طرح ارزش‌های نو در عرصه جهانی

فرهنگ و ارزش‌های اسلامی قابلیت تمدن‌سازی دارند و باهنر در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی اشاره می‌کند که دوری از فرهنگ دینی عامل فروپاشی تمدنی خواهد شد و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی عامل جلوگیری از سقوط نظام فکری و مدنی می‌شود و می‌تواند پایه‌گذار تمدنی جدید شود (باهنر، پ.بی‌تا، صص. ۲۸-۳) و تمدن اسلامی از دیدگاه باهنر «حلقه اتصال دنیای کهنه و نو» خواهد بود و این مسئله، رسالت تمدنی اسلام را نشان می‌دهد (باهنر، پ. ۱۳۶۰، بخش اول؛ باهنر، ۱۳۶۲، صص. ۲۵-۲۴). رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی عاملی است که منجر به توسعه ارزش‌های فرهنگی اسلام به جامعه جهانی می‌شود. باهنر و بهشتی در کتاب نقش قیامتی انقلاب اسلامی بر این مسئله تأکید دارند که انقلاب دینی دارای هویت اصیل اسلامی است (باهنر و بهشتی، ۱۳۶۰)؛ زیرا همان‌طور که در کتاب سیری در عقاید و اخلاق اسلامی تأکید شده است، اسلام برای هدایت و تربیت افراد محیط معینی نیامده است بلکه برای راهنمایی همه بشریت نازل شده است (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۲)؛ پس در این مرحله از انقلاب باید اسلام در همه جای جهان و بین تمام اقوام و ملل تبلیغ شود و مقررات و قوانین آن به زبان‌های مختلف برای جامعه بشری روشن گردد (قریبی، ۱۴۰۱، ص. ۸۱) باهنر در خصوص صدور انقلاب اشاره می‌کند:

ما در عمل، ارزش‌های جدید را تجربه می‌کنیم و هویت جدید خود را می‌سازیم و ملتی تازه متولد می‌کنیم... ما انقلابمان را باور می‌کنیم و آن را می‌سازیم و رشد می‌دهیم و ارزش‌هایش را مشخص می‌کنیم؛ انقلابمان را به دنیا صادر می‌کنی (باهنر، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۴).

او یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را در سطح منطقه و بین‌الملل، صدور انقلاب می‌داند و به بحث، پیرامون معنا و مفهوم صدور می‌پردازد: «صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست» (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۳). باهنر ترس ابرقدرت‌ها از انقلاب اسلامی را، در راستای صدور این انقلاب به دلیل نشناختن معیارهای آن تلقی می‌کند و صدور انقلاب را از نوع، صدور پیام و رسالت می‌داند که به‌زور نمی‌شود آن را بر فردی تحمیل کرد: «صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است، صدور ارزش‌هایی

مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و...» (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۳). از این رو، مراحل تکامل انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر از تحول فکری و فرهنگی آغاز می‌شود و در نقطه پایانی، منحصر به مرزهای سرزمینی نمی‌شود بلکه رسالت جهانی خود را پیگیری می‌نماید تا بتواند صلح، عدالت، امنیت و تعالی جهانی را به ارمغان آورد.

جدول شماره ۱. مراحل پنج‌گانه تکامل انقلاب اسلامی از منظر محمدجواد باهنر

عنوان مرحله	ویژگی‌ها
تحول روحی مرحله اول:	خودسازی
	تعدیل جاذبه‌های غیردینی
	الهام‌بخشی تاریخ اسلام در تحول جامعه برای مبارزه علیه ظلم و بیدادگری
	فرهنگ ایستادگی در برابر حکومت باطل
	نهادینه‌سازی ارزش منازعه با جریان‌های باطل
سرنوشتی نظام سیاسی طاغوت مرحله دوم:	مبارزه با عوامل سلب آزادی و بی‌عدالتی
	منازعه همه‌جانبه با طاغوت
	تلاش همگانی برای استقرار عدالت اجتماعی
	مسئولیت عمومی برای مقابله با نظام فاسد
	ریشه کن کردن فساد و بی‌عدالتی
	تلاش برای جایگزین کردن نظام اسلامی
انقلاب فرهنگی مرحله سوم:	نقش فرهنگ اسلامی در تقویت جامعه و پاسداشت آن در روح اجتماع
	سرچشمه گرفتن تمامی فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی از فرهنگ
	حاکم شدن ارزش‌های فرهنگی جدید نسبت به ارزش‌های رژیم سیاسی پیشین
	دوری از پیروی کورکورانه از سنت‌های نیاکان و طاغوت
	لزوم بصیرت دینی در پیروی نکردن از متفندان ظالم
	حرکت و رشد تکامل حکومت و جامعه بر پایه فرهنگ اصیل اسلامی

عنوان مرحله	ویژگی‌ها
مرحله سوم: انقلاب فرهنگی	دگرگونی صحیح فرهنگی
	تغییر ساختار تعلیم و تربیت
	دور شدن از عصر جاهلیت
	ایجاد فضای عمومی مبتنی بر فرهنگ اسلامی
	انقلاب در معیارهای ارزشی، در خلق و خواها، در خصلت‌ها و در اخلاقیات
مرحله چهارم: سازمان‌دهی و سازندگی داخلی	بازسازی نیروی انسانی
	اصلاح دستگاه‌های اجرایی
	اصلاح روابط حقوقی
	اصلاح نظام اقتصادی، وضعیت صنایع و معادن
	اصلاح روابط اجتماعی در داخل جامعه
	پایان ریشه‌های وابستگی در نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی
	تقویت پایه‌های نظام اسلامی و شکل‌گیری دولت اسلامی
	بازنگری در ساختارهای رژیم سیاسی پیشین
	سازمان‌دهی نهادها، ادارات و بخش‌های مختلف حکومت با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی
	تبلیغ انقلاب اسلامی در همه جای جهان و بین تمام اقوام و ملل مختلف
مرحله پنجم: طرح اندیشه‌های نو در جهان	تبیین اصول و قوانین انقلاب اسلامی برای ملل مختلف
	حراست از هویت انقلاب اسلامی در جامعه جهانی و توسعه این هویت انقلابی در سایر ملت‌ها
	صادر کردن ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی
	ترویج ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و...
	ایجاد رسالت جهانی برای شکل‌گیری صلح، عدالت، امنیت و تعالی جهانی

نتیجه‌گیری

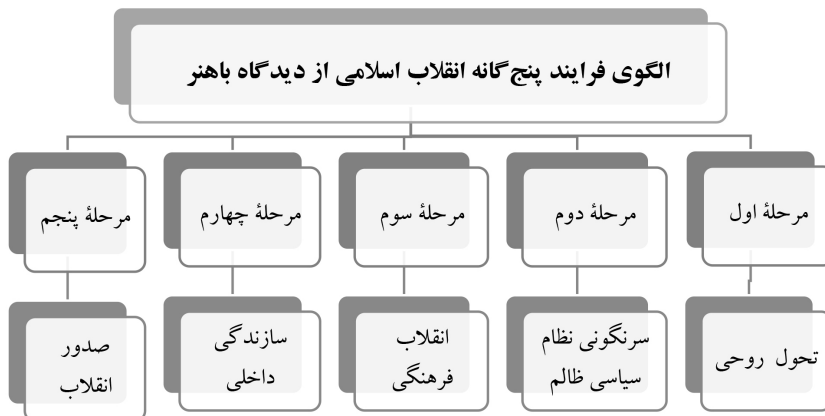
انقلاب در جامعه دینی نه صرفاً پدیده‌ای سیاسی بلکه امری برای اصلاح وضعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم پیشین است. انقلاب در اندیشه سیاسی باهنر، نوعی سازندگی درونی است و در نظام سیاسی اسلام، انقلاب برآمده از ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی است و تلاش جامعه، استقرار نظم مطلوب مبتنی بر آموزه‌های دینی است. برای تکامل انقلاب اسلامی، طی کردن مراحل لازم است تا بتوان تمامی آرمان‌ها و اهداف انقلابی را پیاده‌سازی کرد.

انقلاب در اندیشه باهنر یک فرایند است که با طی نمودن مراحل مختلف می‌تواند فرجام مطلوبی را ایجاد نماید. اولین گام اساسی در فرایند انقلاب اسلامی، تحول روحی و معنوی در افراد و جامعه است؛ یعنی جامعه باید پذیرای فرهنگ دینی و ارزش‌های معنوی باشد و بسترهای لازم برای تغییر ایجاد شود. اگر باطن جامعه آماده تغییر شود، امکان دگرگونی سیاسی فراهم می‌شود. به تعبیری، آمادگی روحی جامعه لازمه تغییرات بنیادین در عرصه سیاست، فرهنگ و اجتماع خواهد بود. بعد از دگرگونی روحی در جامعه دینی و آمادگی برای تغییر، در گام دوم نیز انقلاب سیاسی یا سرنگونی رژیم سیاسی مستقر به وقوع می‌پیوندد. در این مرحله، حاکمان و کارگزاران فاسد سرنگون می‌شوند و نیروهای سیاسی جدید جایگزین آنها می‌شوند. در این مرحله، تحولات بیشتر در حوزه سیاست و کارگزاران حکومتی انجام می‌شود. البته در مرحله دوم، ممکن است مخالفت‌ها، کارشکنی‌ها و حتی منازعاتی شکل بگیرد؛ ولی جامعه برای رسیدن به اهداف آرمانی خود تلاش می‌کنند تا انحرافی از اصول و موازین مطرح در انقلاب اسلامی صورت نگیرد.

بعد از استقرار نیروهای سیاسی جدید، فضای مناسب برای انقلاب فرهنگی ایجاد می‌شود. در این مرحله که گام سوم انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر است، تلاش هدفمند برای تغییر ارزش‌ها، اخلاقیات و باورهای جامعه انجام می‌شود و نظام سیاسی جدید تلاش می‌نماید دگرگونی اساسی در عرصه فرهنگی، تربیتی و آموزشی ایجاد نماید تا از این طریق بتواند فرهنگ و ارزش‌ها، اخلاقیات و انگیزه‌های اصیل اسلامی را در جامعه نهادینه سازد. در این مرحله، فرهنگ مسموم و طاغوتی باید از جامعه و ساختارها دور شود و فرهنگ اسلامی جایگزین آن شود؛ زیرا یک نظام اسلامی برای تعالی به هویت دینی و فرهنگ متعالی برآمده از دین نیاز دارد. پس انقلاب فرهنگی مترصد بازسازی روابط فرودی و اجتماعی برای استقرار ارزش‌های الهی در اجتماع است. درونی‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی به استقامت، دقت عمل، برنامه‌ریزی و تبعیت از دستوران رهبران انقلاب دارد.

بعد از تدارک و شکل‌گیری انقلاب فرهنگی، لازم است سازمان‌دهی داخلی انجام شود و ساختارهای حکومت و ملزومات دولت اسلامی تقویت شوند و استحکام لازم برای تعالی انقلاب را فراهم نمایند. این مرحله چهارم، مربوط به توانمندی نهادی در ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. زمانی که انقلاب فرهنگی، سیاسی و حتی سازمانی در جامعه انقلابی ایجاد شد، استحکام داخلی شکل می‌گیرد و با توانمندی درونی، امکان صدور انقلاب اسلامی و طرح ارزش‌های نوین انقلاب در عرصه جهانی فراهم می‌شود. مرحله پنجم، تلاشی برای جهانی‌شدن ارزش‌های دینی انقلاب است و هویت دینی جدیدی را به امت اسلامی ارائه می‌دهد. این مرحله، ناظر بر صدور ارزش‌های فرهنگی و سیاسی انقلاب به جامعه جهانی و امت اسلامی است و تلاش دارد بسترهای توسعه معارف انقلاب اسلامی در سرزمین‌های دیگر را فراهم آورد. به یک معنا، بعد از توانمندی داخل و تحقق آرمان‌های ترسیم شده برای انقلاب اسلامی، بسترهای الهام‌بخشی و صدور انقلاب فراهم می‌شود. این مرحله، غایت تمدنی و ارزش‌های انسانی و اسلامی انقلاب را نشان می‌دهد که مترصد ترویج ارزش‌ها و الای اخلاقی و انسانی در عرصه جهانی است.

شکل شماره ۴. الگوی فرایند پنج‌گانه انقلاب اسلامی از دیدگاه باهنر



۷۵

با توجه به فقدان آثار پژوهشی منسجم در زمینه اندیشه باهنر پیرامون مفهوم انقلاب و انقلاب اسلامی، پیشنهاد می‌شود در راستای تکمیل زوایای مختلف مقاله حاضر، در پژوهش‌های مشابه به مسائل زیر پرداخته شود:

- تحلیل محتوای «انقلاب» در مکتوبات باهنر و ترسیم الگوی مفهومی انقلاب متعالی اسلام؛

- بررسی تطبیقی نظریه فرایند تکاملی انقلاب از دیدگاه باهنر با متفکران شرقی و غربی؛
- آسیب‌شناسی انقلاب در مراحل پنج‌گانه تکاملی انقلاب اسلامی باهنر؛
- تبیین علل وقوع انقلاب در مواضع باهنر؛
- راهبردهای استحکام انقلاب اسلامی از منظر باهنر؛
- واکاوی مفهوم، ابزار و روش‌های انقلاب فرهنگی در منظومه فکری باهنر؛
- بررسی راهکارهای انقلاب فرهنگی در نظام آموزشی و تربیتی کشور با توجه به مواضع نظری باهنر؛
- مؤلفه‌ها و شیوه‌های صدور انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر؛
- مصادیق تحول روحی و خودسازی در جامعه انقلابی از منظر باهنر؛
- رابطه عدالت و آزادی با شکل‌گیری انقلاب در جامع بشری از منظر باهنر؛
- عوامل شتاب‌زای سرنگونی نظام سیاسی و شکل‌گیری انقلاب بر اساس افکار و بیانات باهنر.

ملاحظات اخلاقی

- حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
- مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
- تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
- تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۶). ترمیدور. مجله معارف، ۵۳، ۲۷-۲۶.
 - اسلامی، احمد. (۱۳۶۹). روند تکاملی انقلاب و استراتژی قدرت. فصلنامه دانشگاه انقلاب، ۸۲ و ۸۳، ۸-۱۷.
 - اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳ (۵)، ۸۵-۱۰۸.
- doi: 20.1001.1.23295599.1394.3.5.4.7
- باقری دولت‌آبادی، علی و موسوی، سید احمد (۱۳۹۷). مفهوم انقلاب در دیدگاه شهید سید محمدباقر صدر. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۲ (۵)، ۱۳۳-۱۶۱.

•
dor: 20.1001.1.25884565.1397.2.5.6.8

- باهنر، محمدجواد (الف بی تا). انقلاب فرهنگی در آموزش و پرورش. تهران: انجام کتاب.
- باهنر، محمدجواد. (پ بی تا). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: نشر حجت.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۵۹). فعالیت‌های جهادسازندگی باید با سایر نهادهای انقلابی هماهنگ شود. روزنامه کیهان.

- باهنر، محمدجواد (الف ۱۳۶۰). بایدها و نبایدهای انقلاب. قم: قدس.
- باهنر، محمدجواد (پ ۱۳۶۰). مقالاتی از دوران خفقان. قم: جامعه مدرسین حوزه.
- باهنر، محمدجواد (الف ۱۳۶۱). جهان‌بینی اسلامی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- باهنر، محمدجواد (پ ۱۳۶۱). شهید دکتر باهنر الگوی هنر مقاومت. تهران: بنیاد شهید.
- باهنر، محمدجواد (چ ۱۳۶۱). هدف‌های آموزش و پرورش اسلامی. تهران: انجام کتاب.
- باهنر، محمدجواد. (۱۳۶۱). روانشناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه‌ها. مجله پاسدار اسلام، ۵.

<http://pasdareeslam.com/category>

- باهنر، محمدجواد. (۱۳۶۱). روانشناسی و جامعه‌شناسی. مجله پاسدار اسلام، ۹.

<http://pasdareeslam.com/category>

- باهنر، محمدجواد (۱۳۶۲). حلقه اتصال دنیای نو و کهن. مجله مکتب اسلام، ۲۳ (۶)، ۲۱-۲۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/204689>

- باهنر، محمدجواد. (الف ۱۳۸۷). مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد. (پ ۱۳۸۷). انسان و خودسازی. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد (چ ۱۳۸۷). گذرگاه‌های الحاد. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد (پ ۱۳۸۷). گسترش نهضت حسینی. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد (پ ۱۳۸۷). مواضع ما در ولایت و رهبری. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد. (پ ۱۳۸۷). سیری در عقاید و اخلاق اسلامی. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد (ح ۱۳۸۷). دین‌شناسی تطبیقی. تهران: شاهد.
- باهنر، محمدجواد (ط ۱۳۸۷). گفتارهای تربیتی. تهران: شاهد.

- باهنر، محمدجواد (۱۳۷۵). ویژه‌نامه شهادت رجایی و باهنر. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۸۵.

- باهنر، محمدجواد و بهشتی، سیدمحمد (۱۳۶۰). نقش قیامتی انقلاب اسلامی. قم: نشر قیام.
- بدرخانی، نسرین (۱۳۹۰). شهید باهنر و ترویج مکتب اسلام. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حجت‌الاسلام و المسلمین شهید دکتر محمدجواد باهنر. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- بریتون، کرین (۱۳۶۶). کالبدشکافی چهار انقلاب. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: زریاب.
- بهرامی، قدرت‌الله (۱۳۸۵). انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

- بهشتی، سید محمد (۱۳۸۹). سه‌گونه اسلام. تهران: نشر بقیه.
- بهشتی حسینی، سید محمد و باهنر، محمدجواد و گلزاده، علی (۱۳۸۰). شناخت اسلام. تهران: نشر بقیه.
- ترک‌چی، فاطمه (۱۳۸۸). شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- تهوری، مسلم (۱۳۹۲). شهید دکتر باهنر معمار فرهنگی انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات تاریخی. ۴۲، ۱۵۶-۱۹۵. <https://mtq.ir/?page=authors&id=342>
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۹). انقلاب از دیدگاه اسلام. تهران: پیام نور.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۹۰). شهید باهنر و تحول بنیادین در آموزش و پرورش. تهران: برهان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۴). بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه.
- رفیع، حسین و عباس‌زاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۴). بررسی ماهیت و فراز و فرود دولت در اندیشه ابن‌خلدون. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۱(۳۱)، ۱۵۹-۱۸۸.
- https://psq.karaj.iau.ir/article_523568.html
- زمزم، علیرضا (۱۳۸۱). انقلاب و انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید محمدجواد باهنر. فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ۲، ۱۰۷-۱۲۸.
- زمزم، علیرضا (۱۳۹۱/۷/۲). شهید باهنر و علل وقوع انقلاب اسلامی. روزنامه رسالت، شماره ۷۶۴۴.
- زند، شیرین (۱۳۹۰). انسان الهی از منظر شهید باهنر. تهران: مدرسه برهان.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صباحی، محمد و همکاران (۱۳۸۱). حکومت دینی از منظر شهید باهنر. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- صدر، سید رضا (۱۳۷۹). تفسیر سوره حجرات. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طوسی، کوثر، جمشیدی، محمدحسین و طوسی، فاطمه (۱۴۰۰). تبیین منطق درونی چرایی تحقق وقوع انقلاب اسلامی ایران در اندیشه سیاسی شهید بهشتی. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹(۱۹)، ۲۰۱-۲۲۶. [dor: 20.1001.1.23455705.1400.9.19.7.0](https://doi.org/10.1001.1.23455705.1400.9.19.7.0)
- عبدالاحدی‌مقدم، علی‌اکبر (۱۳۹۱). راه مستقیم انقلاب. قم: ولاء منتظر (عج).
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). انقلاب اسلامی و ریشه‌های تاریخی آن. تهران: پیام نور.
- فرقانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). استکبارستیزی در قرآن. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۱). فرایند تکاملی انقلاب؛ تبیین مراحل پنج‌گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی. ساری: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۲). نظریه فرایندی تکامل انقلاب اسلامی؛ الگوها و ویژگی‌ها (از تکوین انقلاب تا مرحله توسعه تمدنی انقلاب). فصلنامه دولت‌پژوهی جمهوری اسلامی، ۹(۱)، ۷۳-۱۰۲. https://irsj.ihu.ac.ir/article_208271.html

- کتابی، محمدرضا (۱۳۸۹). انقلاب در نمایی نو؛ ارائه مدلی تحلیلی برای انقلاب اسلامی. مجله سوره

اندیشه، ۴۸ و ۴۹، ۱۲۹-۱۳۶. <http://www.sooremag.ir>

- گلدستون، جک (۱۳۸۵). مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

- مشکانی سبزواری، عباسعلی (الف) (۱۳۹۲). درآمدی بر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، روزنامه کیهان، ۲۰۶۰۳.

- مشکانی سبزواری، عباسعلی (ب) (۱۳۹۲). جایگاه امت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ۹ (۳۳)، ۴۹-۶۴.

https://foroughevahdat.mazaheb.ac.ir/article_7688.html

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). نعمت انقلاب اسلامی. ماهنامه معرفت، ۹۸، صص ۴-۹.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: انتشارات امام خمینی.

<https://marifat.nashriyat.ir/node/3088>

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آئینه انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های شهید مطهری. تهران: صدرا.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۴۰۱ ه.ق). انقلاب فرهنگی از نگاه شهید باهنر. مصاحبه با دکتر محمدجواد باهنر، مجله عربی زبان الشهد، ۶۴.

- مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۱). نظریه فرایندی انقلاب اسلامی. قم: طلوع مهر.

- نرمانی، حسن، زارعی، غفار و روان‌بد، امین (۱۴۰۰). پیشران‌های تربیتی و فرهنگی جهت شکل‌گیری

تمدن نوین اسلامی. نشریه آینده‌پژوهی ایران، ۶ (۱)، ۵۷-۷۶.

[doi:10.30479/JFS.2021.13973.1220](https://doi.org/10.30479/JFS.2021.13973.1220)

- نعمتی‌زرگان، مرتضی (۱۳۸۴). شهید دکتر محمدجواد باهنر. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- نیکروش رستمی، ملیحه (۱۴۰۰). زندگانی و فعالیت‌های محمدجواد باهنر؛ سومین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات تاریخی، ۷۴، ۸۸-۱۲۲.

<https://mtq.ir/?page=magazine&id=74>

- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش تحول. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

- هیوود، اندرو (۱۳۸۴). مقدمه نظریه سیاسی. ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.

- Brinton, Crane. (1965). *The anatomy of revolution*, New York: Vintage Books.

- Chengte, Pralhad V. (2016). The Concept of Revolution, *International Journal of Political Science*, Vol. 2, No. 4, 34-41.
- Coccia, Mario. (2019). Theories of Revolution. In book: *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance*, Springer Nature Switzerland AG.
- Gebil, Alazar. (1990). *Causes of Political Revolution*, Masters Theses, By: The Student Theses & Publications, Eastern Illinois University.
- Gottschalk, Louis. (1944). Causes of Revolution. *American Journal of Sociology*, Vol. 50, No. 1, 1-8.
- Tanter, Raymond & Manus Midlarsky. (1967). A Theory of Revolution, *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 11, No. 3, 264-280.
- Taylor, Stan. (1987). *Social Science and revolution*, New York: St. Martins press.
- Vahabi, Mehrdad, Batifoulier, Philippe and Nicolas DaSilva (2020). The Political Economy of Revolution and Institutional Change: the Elite and Mass Revolutions. *Dans Revue d'économie politique*, Vol.130, 855-889.
- Yeniçırak, Hasan. (2020). On Revolution: What is Revolution? What are the Differences that Distinguish Revolution from Other Forms of Political Violent?, *Van YYYU The Journal of Social Sciences Institute*, Issue 50, 329-342.
- Yoder, Dale. (1926). Current Definitions of Revolution, *American Journal of Sociology*, Volume. 32, Number. 3.